

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره هشتم - آبان ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۴

نگاهی به سبک شعری شاعران قرن سیزدهم با تکیه بر تذکره محک شعرا

تألیف محمدصالح شاملوی خراسانی

(ص ۲۴۴-۲۱۹)

مژگان متین زاده<sup>۲</sup>، زهرا ریاحی زمین<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

### چکیده

سرزمین شاعرپرور ایران در قرن سیزدهم هجری که همزمان با سلطنت قاجاریه در ایران است، همچون دوره‌های پیشین شاعران بسیاری را در دامان خود پرورش داده است. به دلیل نزدیکی تاریخی این دوره تذکره‌های نسبتاً زیادی در اختیار اهل ادب قرار دارند که به معرفی شاعران این دوره میپردازند. یکی از این تذکره‌ها محک شعرا، تألیف محمدصالح شاملوی خراسانی است. هرچند سبک شعری این دوره، بازگشت نامیده شده و ویژگیهای تعریف‌شده‌ای دارد، تذکره محک شعرا با شرح حال و آوردن نمونه‌هایی از شعر شاعران قرن سیزدهم اطلاعات نوینی را در اختیار پژوهندگان قرار میدهد. مقاله حاضر بر اساس اطلاعاتی که این تذکره در اختیار خوانندگان قرار میدهد، به معرفی شاعران این دوره و بررسی ویژگیهای تکمیلی و متفاوتی از سبک‌شناسی این دوره ادبی میپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** دوره قاجاریه، ویژگیهای سبکی، تذکره محک شعرا، محمدصالح شاملوی خراسانی.

---

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (ادبیات غنایی)

(mojganmatinzadeh@shirazu.ac.ir)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (z.riahizamin@shirazu.ac.ir)

**A look at the poetic style of thirteenth-century poets based on the Mehake shoara biography of the poets Written by Mohammad Saleh Shamlou Khorasani**

Mojgan Matinzadeh<sup>۱</sup>, Zahra Riahi zamin<sup>۲</sup> (Corresponding author)

**Abstract**

The Educated poet land of Iran in the thirteenth-century AH, which coincides with the Qajar dynasty in Iran, as in previous periods, has nurtured many poets. Due to the historical proximity of this period, there are relatively many biography of the poets available to the literary people who introduce the poets of this period. One of these biographies of the poets is Mehake shoara, written by Mohammad Saleh Shamlou Khorasani. Although the poetic style of this period is called return and has defined characteristics, the Mehake shoara biography of the poets provides to the researchers with new information by describing the poetry of thirteenth-century poets. this article introduces the poets of this period and examines the characteristics of this literary period Based on the information that this biography of the poets provides to the readers.

**Keywords:** Qajar period, stylistic features, Mehake shoara biography of the poets, Mohammad Saleh Shamlou Khorasani.

---

۱ . PhD student in Persian language and literature, Shiraz University.  
(mojganmatinzadeh@shirazu.ac.ir )

۲ . Associate Professor, Shiraz University. Corresponding author  
(z.riahizamin@shirazu.ac.ir)

## مقدمه

تذکره محک شعرا، تألیف محمد صالح شاملوی خراسانی در سال ۱۲۵۲ هـ.ق.، نسخه‌ای منحصر به فرد و به خط نستعلیق است. این کتاب از هندوستان به ایران آمده و به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۳۱ هـ.ش. در کتابخانه ملک به ثبت رسیده و به سال ۱۳۵۱ هـ.ش. نیز مورد بازبینی قرار گرفته است. از تذکره محک- شعرا تنها دستنوشته موجود است که به شماره ۴۰۹۶ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نستعلیق در ۲۶۶ برگ ۱۷ سطری کتابت شده است (نک فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، درایتی، ج ۲۸: ص ۴۹۸) کاغذ آن خشک و شکننده است، غلط کتابتی بسیار کم دارد و اصلاحات و اضافاتی به خط متن در حواشی آن دیده می‌شود که به احتمال نسخه اصل دستنویس مؤلف است. اسامی تمامی شاعران در آغاز شرح حال با مرگب قرمز رنگ نگاشته شده و نیز کلماتی چون بیت، نظم، مصراع و مثنوی، غزل، قصیده، رباعی و برخی موضوعات با مرگب قرمز متمایز شده و همچنین از کلماتی چون «وله» برای جدا ساختن ابیات استفاده کرده است. روش تدوین و ترتیب ابیات به طور منظم و دقیق صورت گرفته، به طوری که ابیات بر حسب قافیه و ردیف به صورت الفبایی مرتب شده است.

تذکره محک شعرا یک تذکره عصری است؛ یعنی «منحصراً احوال شعرای همزمان تذکره‌نویس را دربردارد و یا علاوه بر شعرای همزمان ذکری از شعرای پیشین نیز شده است» (مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات، ستوده: صص ۷۵-۷۶). تقسیم‌بندی کتاب در نسخه چنین است که نخست خاقان و فرزندان او مذکورند، بعد ذکر امرای زمان خاقان و سپس شعرای زمان آمده است. نشر کتاب منشیانه و در عین حال روان است. شرح حال برخی از شاعران به اختصار و برخی به تفصیل نوشته شده است، انتخاب اشعار هم بنا به سلیقه مؤلف است؛ از بعضی فقط یک بیت و از بعضی تا دو هزار و هفتصد بیت نقل شده است.

دیباچه این تذکره ناتمام مانده و جای مطالب باقی مانده را دو صفحه و نیم سفید گذاشته است، و در پایان هم چند صفحه نانوشته مانده است که ظاهراً مؤلف می‌خواسته خاتمه کتاب را به ذکر احوال خود اختصاص دهد ولی حوادث دوران مجال آن را نداده است. اینک شرح رساله:

۱- فتحعلی شاه قاجار نخستین شاعری است که نویسنده در کتاب خود از وی نام میبرد و با مدح و ستایش بسیار به معرفی او میپردازد. فتحعلی شاه دیوانی از

غزل و قصیده دارد که نویسنده تعدادی از آنها را در کتاب آورده است. وی دو قصیده در مدح امام علی (ع) سروده است:

چشمت ز سحر جادوی بابل نشان دهد	زلفت نشان ز سنبل باغ جنان دهد
شیر خدا علی ولی آن که هیبتش	شرح شکایتت به شه انس و جان دهد
آید نسیم خلقش اگر سوی بوستان	تب لרزه بر تن اسد آسمان دهد

ابیات زیر بخشی از قصیده‌ای در مدح امام رضا (ع) است که فتح‌علی‌شاه آن را در مدت یک شبانه روز سروده است:

جان به کف بهر طواف کوی جانان میروم	تحفهام پای ملخ نزد سلیمان میروم
سرفرازی دو عالم آستان بوسی اوست	ذره سان در سایه خورشید تابان میروم
بسته‌ام عهدی چو در درگاه او همچون سپهر	بنده‌سان بر درگاه شاه خراسان میروم

در دیوان وی یک غزل و چند دوبیتی در ذکر امام حسین (ع) یافت میشود:

در حیرتم که چرخ چرا غرق خون نشد	در ماتم حسین (ع) زمین واژگون نشد
چون آفتاب یثرب و بطحا غروب کرد	رخسار آفتاب چرا قیرگون نشد

۲- دولت‌شاه محمدعلی میرزا با اهل دانش مهربان و در صدد کسب رضایت آنان بود. او در جوانی وفات یافت. نویسنده به حضور وی نرسیده و دیوانش را نخوانده است؛ اما تعدادی از اشعار وی را برای نمونه می‌آورد.

۳- نواب حسین علی میرزا بنا بر گفته مؤلف تذکره بیشتر به نظم ولایات می‌پرداخته و گاهی بر سبیل اتفاق شعری از خاطرش می‌گذشته است. در میان اشعار وی که نویسنده تذکره برای نمونه آورده است، عیب قافیهِ مشهود دیده میشود:

یار اگر بر سر کین است چه بیم از دشمن      دوست‌گر بر سر یاریست چه بیم از دشمن

۴- خسروی محمدقلی میرزا پس از فراغ از امور ملکی گاهی شعری میسروده و نویسنده ابیاتی را در کتاب خود آورده است.

۵- شوکت محمدتقی میرزا به گفته مؤلف، مهربان و خوش‌کلام و نکته‌دان است، سخنان حکمت‌آمیز دارد و گاهی شعر میسروده است که دو بیت از اشعار وی در تذکره آمده است.

۶- ظل‌السلطان نواب علی‌شاه با وجود ایالت و جهانبانی گاهی برای طبع‌آزمایی شعری میسروده و نویسنده فقط رباعی زیر را شنیده است:

ماییم که شد مُسخّر ما یکسر      اقطار جهان ز باختر تا خاور  
بدریده ز بیم ما دلیران خفتان      بگرفته به یاد ما حریفان ساغر

۷- شاپور شیخعلی میرزا گاهی نظر به وزن فطری شعر میسروده است و نویسنده نمونه‌ای می‌آورد:

عجب از جنس وفا آیدم و طالع خویش      که در این شهر نگاریش خریدار آید  
آمدم تا که ز دام تور رهانم دل را      او رها نشده من نیز گرفتار شدم

۸- دارا عبدالله میرزا دیوانی دارد که نویسنده آن را دیده است. این دیوان در بردارنده چهار هزار بیت است که دو هزار بیت آن مثنویات می‌باشد. در بیشتر غزلیاتش گریز به نام شاهنشاه است. مؤلف متخبی از ابیات اشعارش را در تذکره آورده است:

بندی چه میان به قتل عُشّاق      جز خون مَنّت حرام بادا

۹- نواب امام ویردی میرزا به ندرت شعر میسروده و نویسنده یک بیت را برای نمونه آورده است:

تا عشق تو جا در دل ویرانه ما کرد      جز مهر توام آنچه به دل بود برون شد

۱۰- نواب محمود میرزا که از شاهزادگان است، دیوانی دارد و به نام خود تخلص میکرده است. در مجمع‌الفصحا آمده است که او در سنه ۱۲۱۳ هـ.ق. متولد شده، چهاردهمین فرزند فتحعلی شاه قاجار است و تذکره‌ای در اشعار معاصران به نام "سفینه‌المحمود" نوشته است. (مجمع‌الفصحا، هدایت: ص ۵۰). نویسنده ابیاتی را از اشعار گوناگون وی برای نمونه آورده است:

من ترک عاشقی به ملامت نمیکنم      ترسم کجا فتاده در آتش ز اخگری

۱۱- افسر محمد میرزا با وجود حکمرانی به وزن فطری شعر میسرود. مؤلف تنها دو بیت از شعار وی را برای نمونه آورده است:

هر کسی را سر سودیست به بازار غمش      من سودا زده در عشق زیانم هوس است  
تا بسود دل و بر باد دهم خرمن عمر      آتش از تندی خوی تو به جانم هوس است

۱۲- خاور حیدرقلی میرزا از دید نویسنده صاحب طبعی موزون و اشعاری بامضمون است. مؤلف تنها سه بیت از اشعار گوناگون وی را ملاحظه کرده و در تذکره آورده است:

پرسید ز من حال دل آن شوخ جفا جو      گویا ز دل گمشده او را خبری هست

۱۳- حشمت همایون میرزا گاهی شعر میسروده است که نویسنده سه بیت از

اشعار وی را آورده است:

غیر از هنر عشق به کف هیچ نداریم      پرسند اگر اهل هنر از هنر ما

۱۴- ابراهیم خان طغرل ولایت کرمان را در اختیار داشته است. نویسنده چند شعر از وی را به دست آورده که دو بیت را برای نمونه می‌آورد:

فغان طغرل که صیاد جفا جو      مرا بشکست بال آن گه رها کرد

۱۵- سلیمان خان عزت اعظم امرای ایل قاجار بوده و دفتری از اشعارش داشته است. نویسنده یک غزل، یک دوبیتی و ابیاتی از این دفتر برگزیده و در تذکره آورده است:

ز مهربانی آن ماه مهربان همه روز      به قصد کشتن من، شیخ و شهنه همدستند

۱۶- محمدقاسم خان شوکت که نویسنده از منتخب اشعارش ابیاتی را آورده است:

چشمم به جام باده و گوشم به بانگ چنگ      دستم به دست ساقی و دل پیش دلبر است

۱۷- الله یار خان حاجب از امیران والا مقام قاجار بوده است. علما را قدر میدانست و هنرمندان مدح‌خوان وی بودند. گاهی برای طبع‌آزمایی شعر میسرود. نویسنده رباعی زیر را برای نمونه آورده است:

دیدم خجل آفتاب از افسر خویش      بر ذروه آسمان گرایان سر خویش  
اینها همه زانست که شاهنشاهم      اینها همه زانست که شاهنشاهم

۱۸- میرزا محمدطاهر نیری شیرازی که بنا به گفته نویسنده از دانشمندان و هنرمندان دوران خویش است، از دوران کودکی پا به عرصه نظم گذارده است. نسخه اشعارش با خطی زیبا نگاشته شده و گوی سبقت از خوش‌نویسان ربوده است. وی بیشتر به قصیده و مثنوی تمایل داشته و کمتر کسی توان رویارویی با وی را در قصیده داشته است. او در هفده سالگی به هند سفر کرد و مدتی در آنجا اقامت گزید. نویسنده با وی دیدارهای مکرر داشته است. نیری شیرازی در زمان نگارش تذکره چهل سال داشته است.

نویسنده ۳۲ قصیده از قصاید وی را برگزیده و در تذکره آورده است و در چند مورد به سبب نظم آنها اشاره نموده است. نیری دو قصیده برای وصال شیرازی سروده و به شیراز فرستاده است که یکی در مدح وصال شیرازی و دیگری در پاسخ به قصیده وی است که مدحی بر نیری شیرازی نیز داشته است.

ای ز فلک دررسیده جانب غربا هم فلک اندازه‌ای و هم ملک آسا  
در سال ۱۲۵۱ قصیده‌ای مردف به "آفتاب" در مدح میرمحمد نصیرخان تالیر  
پادشاه کشور سند سروده است:

ماه بی‌مهر مرا بر رخ نقاب است آفتاب وین عجب کز شرم رخ اندر حجاب است آفتاب  
نویسنده قصیده‌ای دیگر را نیز از نیری آورده که در ستایش میرمحمد نصیرخان  
تالیر است.

مثنوی نیری شیرازی به نام خورشیدنامه در بیان احوالات پادشاهان مه‌آباد است  
که چهارده تن بوده‌اند. تا زمان تألیف تذکره‌ی مذکور دو هزار بیت آن منظوم بوده  
است. این مثنوی مبرا از واژه‌های تازی است و نویسنده بیتی از آن را برای ثبات  
ادعای خویش آورده است:

بر آنم که یک واژه تازی سخن نرانم در این پارسی انجمن  
مؤلف تذکره در چندین بخش از این مثنوی، از جمله در یاری خواستن از قلم و  
ستایش فردوسی را آورده است:

خداوند فردوسی آن پاک مرد که از گفته گیتی پرآوازه کرد  
به جان بُد سروش و به تن همچو جان به گفت آفتاب و به کلک آسمان

۱۹- میرزا رضی تبریزی از اشراف دارالسلطنه تبریز و مداح فتحعلی‌شاه قاجار  
بوده است. وی به دستور فتحعلی‌شاه مأمور نوشتن کتاب زینت‌التواریخ شد که  
مشمول است بر اخبار و آثار انبیاء و سلاطین و حکما و عرفا و شعرا و دانشمندان  
سلف و خلف. وی قصیده نیز میسروده است، از جمله قصیده‌ای در وصف بزم  
نوروزی پادشاه که فتحعلی‌شاه برای پاداش یکصد تومان بر حقوق سالیانه‌اش  
افزود.

گویی سپهرستی زمین مهر و مه و اختر همه یا روضه خلدبرین لعل و ذر و گوهر همه  
هر ماهی از وی بی‌کلف هر مهری از وی در شرف حوران در آن از هر طرف مهری و مه‌پیکر همه

۲۰- میرزا سیدمحمد معروف به سحاب اصفهانی خلف هاتف اصفهانی است که در  
جوانی وفات یافته است. در مجمع‌الفصحا آمده است که تذکره "شحات سحاب"  
به نام نامی او است و قریب به بیست و پنج هزار بیت دارد. وی فن عروض و قوافی  
و شعر را پیش پدر فرا گرفت و در اواسط عمر به مکه معظمه و مدینه طیبه رفت.  
غزلیات او به نظر فتحعلی‌شاه رسید و او را مجتهدالشعرا لقب دادند. رساله‌ای نیز  
به نام «سحاب الیکا» در مراثی و جنگهای حضرت سیدالشهدا به نظم و نثر تألیف  
کرده است (نک همان، ج ۲: ص ۲۰۷) قصیده‌ای در ستایش پادشاه و تهنیت  
عید فطر سروده است:

سلطان چرخ از ماه نو بر فرق افسر یافته      وز موکب عید صیام آفاق زیور یافته  
 ۲۱- میرزا احمد معروف به صبوری کاشی از شعرای رکاب فتحعلی‌شاه قاجار و کلانتر کاشان بوده است. زادگاهش کاشان و برادرزاده ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا، حاکم کاشان، است. وی قصیده و غزل میسروده است.

۲۲- فتحعلی‌خان معروف به ملک‌الشعرا صبای کاشی از اشراف کاشان و ارادتمندان فتحعلی‌شاه بوده است. در آغاز پادشاهی فتحعلی‌شاه قطعه‌ای در تاریخ جلوس وی به رشته نظم کشیده و به سبب آن از سوی پادشاه منصب ملک‌الشعرا را دریافت کرده است. وی پس از آن به حکومت قم و کاشان منصوب شد. نویسنده دو قصیده از وی را در تذکره آورده است.

۲۳- عبدالرزاق بیگ، معروف به میرزا مفتون تبریزی، خلف نجفقلی‌خان دنبلی بیگلربیگی، دارالسلطنه تبریز است. وی پس از سرودن قصیده‌ای در مدح فتحعلی‌شاه به حضور وی راه یافت. فتحعلی‌شاه او را دستیار میرزا محمد رضی تبریزی در تألیف کتاب زینت‌التواریخ کرد.

ملک‌الشعرا بهار میگوید: «سبک عبدالرزاق بین شیوه جویی و وصاف و شیخ سعدی علیهم‌الرحمه است و در شعر نیز به شیوه متقدمین به شعرای عراقی و سلجوقی متمایل است و در نثر و نظم از بزرگان پارسی‌زبان می‌توان شمرد. در شعر مفتون تخلص میکرد. حدایق‌الجنان، تجربه‌الاحرار، تسلیه‌الابرار، روضه‌الآداب و جنة‌الالباب، حقایق‌الانوار، حدایق‌الادباء، شرح شاعر ملاصدرا، مثنوی ناز و نیاز، نگارستان دارا، مآثر سلطانی، جامع خاقانی، همایون‌نامه و آثاری دیگر» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۲۰).

۲۴- میرزا عبدالوهاب متخلص به نشاط اصفهانی، نبیره میرزا عبدالوهاب، حاکم سابق اصفهان است. بنا به گفته مؤلف تذکره در معرفت توحید و حکمت و انشای نثر و نظم و خط نستعلیق و شکسته و ترسل و سایر علوم، سرآمد صاحب‌کمالان روزگار خود بوده است. وی در جوانی کلانتر اصفهان بود؛ اما چندین بار استعفا نموده، کنج عزلت برگزید و هر بار به فرمان پادشاه دوباره به منصب خویش بازگشت. نشاط اصفهانی در مثنوی پیرو مولوی و عطار است و غزلسرای نیز میکرده است. هدایت میگوید: «در نثر و نظم عربی و فارسی و ترکی قادر بوده و غزل را به طرز خاصی میفرموده که نهایت امتیاز دارد» (همان، ج ۲: ص ۵۰۹). او نیز با میرزا محمدرضی تبریزی در تألیف کتاب زینت‌التواریخ سهیم شد. نویسنده غزلی از نشاط اصفهانی در مدح فتحعلی‌شاه را در تذکره می‌آورد و یادآور میشود که غزل پیشین نشاط مورد قبول پادشاه واقع نشده و وی غزل حاضر را سروده و در ضمن آن به اظهار شرمساری بابت غزل پیشین پرداخته است:



غنچه خونین جگر از لعل سخندان تو باد  
گل چو من تنگدل از غنچه خندان تو باد  
خستگان را گذری چون به سر کوی تو نیست  
با صبا نکهتی از زلف پریشان تو باد

۲۵- میرزا معصوم معروف به خاوری تبریزی متولد تبریز بوده و در کاشان میزیسته است. رساله تحفه‌الرحمین را به نام فتحعلی‌شاه قاجار به رشته نظم کشیده است. از نویسندگان این تذکره در «فهرستواره کتابهای فارسی» با نام «میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی» یاد شده است (نک فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۱۰: ص ۵۴۹).

نویسنده قصیده‌ای از وی را با سه مطلع که در مدح فتحعلی‌شاه است، برای اثبات متانت طبع وی در تذکره آورده است:

صبحست در صحن چمن، بلبل نوا خوان آمده  
بر شاخ سرو و نارون قرمی در افغان آمده  
هم دلگشا گلشن شده، هم مرغ دستازن شده  
هم شمع گل روشن شده، هم غنچه خندان آمده

۲۶- حسین علی بیگ معروف به شرر اصفهانی خلف مرحوم حاج لطفعلی بیگ بیگدلی متخلص به آذر، مؤلف تذکره‌الشعرا با نام آتشکده، است. وی در قم ساکن بوده و از راه زراعت امرار معاش میکرده است. در مجمع‌الفصحا شرر بیگدلی نامیده شده است (نک مجمع‌الفصحا، هدایت، ج ۲: ص ۲۶۲). شرر اصفهانی شاعری فصیح‌بیان و صاحب دیوان است که دیدن دیوانش برای نویسندگان تذکره میسر نگشته است. شرر اصفهانی از مداحان عباس میرزای نایب‌السلطنه بوده و قصیده‌ای نیز در ثنای فتحعلی‌شاه داشته که نویسنده آن را در جایگاه نمونه‌ای از فصاحت وی در تذکره آورده است:

دوش گفتم با خرد کان در جهانم یاور است  
گه چو الیاسم دلیل و گه چو خضرم رهبر است  
چیست آن بحری که گوهر ز او گوهر پرور است  
گوهرش گوش عروسان سخن را زیور است

۲۷- سلیمان صباحی کاشی اهل کاشان بوده است. او از شعرای قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری است و صباحی تخلص می‌کرد. صباحی در عصر امرای زندیه بوده، با آنان ارتباط داشته و آنها را مدح گفته است. با هاتف و شهاب و آذر معاصر و معاشر بود و مدایح و مراثی خوب دارد (نک همان، ج ۲: صص ۲۶۳-۲۶۶). نویسندگان تذکره برای نمایش طبع وی قصیده‌ای را که در مدح فتحعلی‌شاه سروده، در تذکره آورده است:

باز اقلیم چمن خسرو آزار گرفت  
دست گل تیغ تطاول ز کف خار گرفت  
قطره ژاله صفای صف صراف شکست  
چهره لاله دل از دلبر فرخار گرفت

۲۸- میرزا محمدعلی مایل تهرانی خلف میرزا محمدکاظم، مستوفی‌الممالک دیوان فتحعلی‌شاه قاجار، بوده است. مایل تهرانی خود نیز از نویسندگان دفترخانه دربار بود و در نظم و نثر مهارت داشت.

مایل تهرانی با عبدالرزاق بیگ دنبلی و قائم مقام دوم همدم بود و ذکر او در منشآت قائم مقام مکرر آمده است (نک سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۳۵). نویسنده دو قصیده از وی را که در مدح فتحعلی‌شاه بوده است، برای نمونه می‌آورد:

۲۹- میرزا سیدحسین مجمر اصفهانی در نظم مهارت داشت. نویسنده قصیده‌ای از وی را که در ثنای فتحعلی‌شاه سروده، برای نمونه آورده است.

او ملقب به مجتهدالشعرا و متخلص به مجمر از سادات اصفهان بود. در آغاز شباب به تهران آمد و به یاری نشاط به دربار فتحعلی‌شاه قاجار راه یافت. وی در غزلسرایی در میان شاعران دوره بازگشت مقام ارجمندی دارد. بیشتر غزلهای سعدی را با موفقیت استقبال کرده و عواطف عاشقانه‌اش به سبب جوانی تند و با حرارت و کلامش فصیح و استادانه است (نک مجمع‌الفصحا، هدایت: ص ۴۶۵).

۳۰- میرزا محمدصادق، هما تخلص می‌کرد و معروف به میرزا همای مروی بود. وی تاریخی در وقایع فتحعلی‌شاه به نام جهان‌آرا نگاشته که مورد توجه پادشاه قرار گرفته است و به سبب آن به مناصب و قیام‌نگاری در آن دولت رسید. وی از سوی فتحعلی‌شاه به تألیف و تربیت کتاب زینت‌المدایح مأمور شد و در اندک فرصتی آن شغل خطیر را به اتمام رسانید و پس از آن از خواص دربار شاه شد. میرزا همای در شعر نیز مهارت داشت و نویسنده سه قصیده از وی را برای نمونه آورده است.

۳۱- میرزا داوود بینوای مشهدی اهل علم و فضل بوده و گاهی نیز طبع‌آزمایی می‌نمود. نویسنده دو بیت از وی را برای نمونه آورده است.

۳۲- میرزا ابوالحسن شیدای یزدی در علم لغت مهارت داشت و از علوم دیگر نیز بیبهره نبود. وی در جوانی بسیار شعر سروده که به نظر نویسنده تذکره نرسیده است. مؤلف تنها یک قصیده از وی را دیده است که در مدح امام علی (ع) سروده بود و ابیاتی از آن را برای نمونه برگزید:

آمد ایام بهار و وقت آن شد کز نشاط  
غم‌گل کوتاه و فرصت کم، فلک بی‌اعتبار

۳۳- آقامحمدعلی شیدای اصفهانی در اصفهان متولد شده و از جوانی به شیراز مهاجرت کرده است. نویسنده با استناد به سخن وی، او را فردی عاشق‌پیشه معرفی می‌کند. بنا به گفته نویسنده شیدای اصفهانی تندمزاج بود و به اندک ناملایمی از دوستان روی برمیکرداند. وی در سال ۱۲۱۵ وفات یافت. شیدای اصفهانی دیوانی دارد که نویسنده ابیاتی از آن را برای نمونه در تذکره آورده است:

از آن همیشه گریزم ز همنشینی خلق      که مونسى چو غم عشق همنشین دارم

۳۴- آقا محمد صفای اصفهانی فردی درویش‌رفتار بود که از راه کتابت امرار معاش میکرد. وی گاهی شعر میسرود و نویسنده تذکره ابیاتی را برای نمونه آورده است.

۳۵- میرزا سعید فدای اردستانی گاهی شعر میسروده و نویسنده ابیاتی از وی را در تذکره آورده است.

۳۶- منت علی بیگ نوای شیرازی به گفته نویسنده تذکره، اشعار بسیاری داشته که در حوادث از میان رفته است.

۳۷- میرزا محمدعلی وفای اصفهانی شعر میسرود. نویسنده اذعان دارد که اطلاع بیشتری از وی ندارد و ابیاتی از وی را برای نمونه آورده است.

۳۸- میرزا محمدحسین وفای فراهانی در ابتدا چندی در خدمت صادق خان برادر کریم خان زند و پس از آن در بارگاه محمد پادشاه قاجار از ارباب قلم بود. وی در شیراز به منصب وزارت رسید و در آن زمان مشکلات اهل دانش به لطف او بسیار سامان می‌یافت. وفای فراهانی دیوانی دارد که نویسنده ابیاتی از آن را برای نمونه برگزیده است:

دهیم وعده به فردا که ز بس تاب و تبم      دانی امروز مرا نیست ز پی فردایی

۳۹- میرزا ابوالحسن یغمای جندقی از اعیان جندق بود. وی شعر میسرود؛ اما به گردآوری اشعار خود معتقد نبود. نویسنده ابیاتی از وی را برگزیده است:

یغما من و بخت و شادی و غم با هم      گشتیم روان به ملک هستی ز عدم  
چون نو سفران ز رنج ره بخت بخفت      شادی سر خود گرفت و من ماندم و غم

۴۰- میرزا عبدالله خان شهاب ترشیزی در علوم گوناگون به تحصیل پرداخته و به ویژه در نجوم سرآمد بود. وی از سوی شاهزاده محمود افغان به ملک‌الشعرایی سرافراز و به لقب خانی ملقب گشت. وی در سال ۱۲۱۵ وفات یافت. شهاب

ترشیزی دیوانی مشتمل بر بیست هزار بیت دارد و در قصیده و هجو استاد است. از آثار دیگر وی مثنویهای بهرام‌نامه، یوسف و زلیخا و خسرو و شیرین است که نویسنده تذکره هیچ یک را ندیده است و چندین قصیده از جمله قصیده‌ای چهارمطبعی را برای نمونه آورده است:

ای بسته به زنجیر فلک پای جهان را  
وز پرده تقدیر برآورده زمان را  
در وحدت ذات تو به نیروی دلایل  
برتافته بازوی یقین دست گمان را

۴۱- میرزا محمدتقی صاحب مازندرانی از اعیان و مستوفی‌زادگان مازندران بود. وی به وزارت عبدالله میرزا متخلص به دارا منصوب و پس از چندی معزول شد. صاحب مازندرانی شعر هم میسروده که مؤلف ابیاتی از وی را برای نمونه آورده است.

او در زمرة رجال دربار فتحعلی شاه بود و در قصاید و غزلیات، «صاحب» تخلص میکرد. دیوان او در حدود ۵۵۰۰ بیت است. در فن قصیده‌سرایی بر پایه استادان سلف رفته است (نک همان، ج ۲: ص ۲۰۸).

۴۲- محمدرفیع خان معروف به میرزا طرب شیرازی گاهی شعر میسروده و نویسنده ابیاتی از وی را برای نمونه آورده است.

۴۳- محمدحسین خان معروف به ملک‌الشعرا عندلیب کاشی، فرزند فتحعلی خان صبا است که پس از پدر به دربار فتحعلی شاه راه یافت و از وی لقب ملک‌الشعرا را دریافت کرد. وی دیوانی با حدود بیست هزار بیت شعر دارد و در قصیده‌سرایی استاد بود. نویسنده همه دیوان وی را ندیده و ابیاتی را برای نمونه برگزیده است:

ساحت چین و مشک تر چهره و خال تو به هم  
مشک تو روز سوز شب چین تو شرم صبحدم

۴۴- نواب میرزا عبدالعلی معروف به میرزا کوکب یزدی از اشراف یزد و در خطاطی استاد بود. وی چندی منصب صدارت فتحعلی‌شاه قاجار را داشت. میرزا کوکب یزدی سفری به شیراز داشت تا از آنجا به دارالخلافه تهران برود؛ اما همان روزی که اجازه رسیدن به حضور پادشاه را دریافت کرد، در شیراز درگذشت و در حافظیه به خاک سپرده شد. وی در مجمع الفصحا به نام میرزا کوکب خراسانی آمده است (نک همان، ج ۲: ص ۴۲۶).

۴۵- آقا محمدصادق معروف به میرزا کوکب شیرازی از بزرگ‌زادگان شیراز بود. وی در دوره زندیه چندی در به خدمت دیوانی مشغول بود. کوکب شیرازی به هندوستان رفت و با دختر یکی از بزرگان ازدواج کرد. پس از چندی چون قصد بازگشت به وطن را داشت، همسرش وی را مسموم کرد و در همان جا به خاک

سپرده شد. وی مثنوی هفت پیکر به نظم نظامی و مثنویات دیگر نیز دارد که نویسنده تذکره همه آن‌ها را ندیده و ابیاتی را برای نمونه برگزیده است:

شبا هنگام کین دریای گوهرزای پهناور      ز قعر افکنند بر ساحل فروزان در ثمین گوهر  
شد اندر بحر مغرب غرقه خور را زورق زرین      کنار بحر ماند از وی به جا سیماب گون لنگر

۴۶- میرزا مرتضی معروف به میرزا محبوب ترشیزی فرزند میرزا عبدالله خان متخلص به شهاب است. نویسنده ابیاتی از اشعار وی را برای نمونه آورده است: فراغت کی توان دیدن در آن وادی ز منزلهای که رخ از گرد ره ناشسته بر بندند محملها

۴۷- میرزا حیدرعلی معروف به میرزا محبوب شیرازی فرزند پیر مراد بیگ متخلص به مشفق است. مؤلف تذکره ابیاتی از وی را برای نمونه آورده است.

۴۸- میرزا محمدقلی معروف به الفت کاشی از ایل افشار و اهل کاشان بود. وی در اصفهان نزد میرزا عبدالوهاب نشاط به تحصیل پرداخت. الفت کاشی چندی در شیراز در دفترخانه حسین علی میرزا و در مشهد از جمله کارگزاران شاهزاده علی-نقی میرزا بود. وی دیوانی دارد که به نظر مؤلف تذکره نرسیده است. نویسنده قصیده‌ای از وی را که در تاریخ باغ فرمان فرمای مملکت فارس حسین علی میرزا گفته، برای نمونه آورده است.

دیوان او قریب به پنج هزار بیت اشعار مختلف و بیشتر غزلیات دارد (نک همان، ج ۲: ص ۷۶).

۴۹- محمودخان معروف به الفت شیرازی از سن کم به خوش‌سیمایی و خوش-صدایی مشهور بود. هدایت در مجمع‌الفصحا تخلص وی را "ساغر" آورده است (نک همان، ج ۲: ص ۴۵۵). الفت شیرازی به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و از مقربان او شد. پس از چندی متهم شد و پادشاه به قطع زبانش دستور داد. وی به شیراز بازگشت و در آنزوا عمر خویش را به پایان رسانید. نویسنده تذکره میگوید که او گاهی شعر میسروده و تنها یک بیت از وی را برای نمونه آورده است:

تماشای گل خوش به مرغان گلشن      که بستند ما را نظر از تماشا

اما در مجمع‌الفصحا آمده است که دیوان قصاید و غزلیاتش ۴۵۰۰ بیت دارد (نک همان: ص ۴۵۵).

۵۰- آقا محمدحسین معروف به میرزا عسرت شیرازی خطّ نسخ را خوش مینوشت و به شغل کتابت روزگار به سر میبرد. وی صاحب دیوان است و نویسنده ابیاتی از وی را برگزیده است.

۵۱- ملّا محمدتقی معروف به حسرت همدانی، اصلش از همدان بوده و در کودکی به شیراز رفته است. نویسنده اطلاع بیشتری از وی ندارد و ابیاتی را برای نمونه برگزیده است؛ اما در مجمع‌الفصحا آمده است: «مردی لآبالی، سیاح، خمار، فلاش و عیاش بود. پیوسته با باده و ساده یار و مجردانه در بلادش گذار و قرار. آخر الامر در آن سیاحت بدان قباحث در گذشت. ... در فنون سخنسرایی طبعش به غزلسرایی مایل است... (نک همان، ج ۲: ص ۹۳)

۵۲- علی خان بیگ معروف به میرزا حسرت اصفهانی، اصلش از دارالسلطنه اصفهان بود. در خدمت شاهزاده محمدرضا میرزا متخلص به افسر، به منصب وزارت رسید و در حدود طالش در حضور ملکزاده حکمران شد. پس از مدتی از آن منصب معزول شد، به شیراز رفت و مدتی را به فراغت گذراند. سرانجام بار دیگر به دربار راه یافت. هرچند حسرت اصفهانی در مدتی که در شیراز می‌زیست، ادعا میکرد اشعار بسیاری دارد که نسخه‌های آنها را به همراه ندارد، نویسنده ادعان دارد که تنها چند شعر از وی در دست است:

ما در رهش ز پای فتادیم و دیگرند / آنان که گفته‌اند به پایان رسیده‌ایم

۵۳- ملّا باقر معروف به ملّا صحبت لاری اهل لار بود و برای تحصیل علم به شیراز سفر کرد. پس از چندی به وطن خویش، لار، بازگشت و امام جماعت شهر شد. صاحب تصنیف و تألیف است و در قصیده‌سرایی شهرت دارد.

۵۴- آقا محمد معروف به طلعت اصفهانی از تجار اصفهان بود. وی دیوانی داشت که به نظر نویسنده تذکره نرسیده است. هدایت میگوید که فنّ شعرش غزلسرایی است. (نک همان، ج ۲: ص ۳۴۴).

۵۵- بی‌بی عفت شیرازی هرچند استادی ندیده و فنون شاعری را نزد کسی نیاموخته است، اشعاری صحیح و سخنانی فصیح دارد. وی هرگز ازدواج نکرد و در دربار شاهزاده حسین‌علی میرزا فرمانفرمای فارس به شغل تحریر مشغول بود. نویسنده ابیاتی از وی را برای نمونه آورده است:

یا نازکی و لطف ز گل آن بدن آموخت	آموخته گلبِبرگ لطافت ز تن او
یا سنبل از آن زلف پریشان شکن آموخت	آموخت ز سنبل شکن آن زلف پریشان
یا مرغ چمن ناله و افغان ز من آموخت	آموختم از مرغ چمن ناله و افغان

۵۶- بی‌بی عشرت از اهالی حرم فتحعلی‌شاه قاجار بود. وی اشعار بسیار دارد که نویسنده فقط یک بیت و یک مصراع از وی را شنیده و در تذکره آورده است:

هر جا که میبرم بفروشم به دلبران / دل داغ بندگی تو دارد نمیخرند

نویسنده نقل میکند که روزی فتحعلی‌شاه این مصرع را بدیهه گفت: «تنگ آمدم ز دست دلم کس نمیخرد»، سپس بی‌بی عشرت ادامه میدهد: «من ایستاده‌ام که دهم جان بده بمن».

۵۷- بی‌بی عشرت شیرازی از بانوان شاعر اهل شیراز بود. او برای امری به منزل بسمل شیرازی رفته بود و چند شعر خود را برای وی خواند. میرزا بسمل برای امتحان وی جواب غزلی دشوار را به او تکلیف میکند. بی‌بی عشرت شیرازی همان‌جا بدیهه غزل را میسراید. نویسنده غزل را در تذکره آورده است. ابیاتی از آن غزل:

گرچه افکنده است در ره تیغ او بسمل مرا      کیست در راه محبت کرده بسمل دل مرا  
گوی جانان منزل جانست و آن جا، جا تهی است      عزتم بین عشق داده است این به جان منزل مرا

۵۸- محمدمین بیگ معروف به فطرت اصفهانی در مجمع‌الفصحا فطرت بروجرودی معرفی شده است (نک همان، ج ۲: ۳۸۲). اصلش از لرستان عراق بوده و در اصفهان کسب کمالات کرده است. برای کسب مال و ثروت مدتی به هندوستان سفر کرد و بزرگان آن دیار را مدح میگفت. سپس به اصفهان بازگشت. نویسنده تنها دو بیت از وی را برای نمونه آورده است. هدایت در مجمع‌الفصحا او را با نام «فطرت بروجرودی» معرفی کرده و طبعش به قصیده سرایی میل داشته است. (نک مجمع‌الفصحا، ج ۲: ص ۳۸۲).

۵۹- چراغ‌علی خان معروف به آصف جاهی فطرت مازندرانی است که در مجمع‌الفصحا فطرت نوایی نامیده شده است (نک همان، ج ۲: ص ۳۹۴). او از بزرگ‌زادگان مازندران و در جوانی در خدمت دیوانی فتحعلی‌شاه قاجار بود. هنگامی که شاهزاده حسین‌علی میرزا به حکمرانی مملکت فارس مأمور شد، فطرت مازندرانی به منصب وزارت وی رسید و به شیراز رفت. او به مدت هفت سال در این مقام باقی ماند، سپس معزول شد و به دارالخلافت تهران رفت و همان‌جا درگذشت. نویسنده چهار بیت از وی را برای نمونه آورده است:

گردون به من ار عجب نگه کرد همانا      دانسته که من از نظر افتاده‌ام شاهم  
بی‌قدریم امروز به قدریست که دشمن      خواهد که کند رحم بر احوال تباهم

۶۰- سید نعمت‌الله معروف به میرزا فکرت مازندرانی از سادات حسینی لاریجان مازندران، معلم شاهزاده، نواب علی‌شاه، بود. وی گاهی شعر میسروده است. هدایت در مجمع‌الفصحا او را فکرت لاریجانی خوانده است (نک همان، ج ۲: ص ۳۸۲).

۶۱- عباسقلی‌خان معروف به نصرت‌خان دکنی از امرای ایران است که زمانی در حیدرآباد دکن ساکن بوده است. او خط و به‌ویژه نسخ را خوش مینوشت. بنا به گفته نویسنده وی اشعار زیادی دارد که فقط چند بیت در تذکره آمده است.

۶۲- سلطان بیگ معروف به میرزا نصرت‌گیلانی از اعیان طایفه طالش بود. وی «از فحول شعرای عهد قاجار بوده، قصیده، و غزل را بس نکو میفرموده است» (نک همان، ج ۶: ص ۱۰۸۲). نویسنده ابیاتی از وی را که از نظر گذرانده است، در تذکره می‌آورد.

۶۳- میرزا محمدحسین معروف به میرزا نصرت شیرازی از سادات رفیع درجات انجوی شیراز است. وی ابتدا به تحصیل خط و ربط مشغول شد. سپس در خدمت شاهزادگان و چندی در طلب طلسمات عمر گذراند. سرانجام به شغل کتابت مشغول شد و از شیوه زندگی گذشته خویش محزون بود. وی گاهی به وزن فطری شعر میسرود.

۶۴- رضاقلی‌بیگ معروف به میرزا هدایت‌دامغانی اصلش از دامغان است و در دارالخلافه تهران متولد شد. در دربار حسین علی میرزا، فرمان‌فرمای مملکت فارس، به شغل صندوق‌داری مشغول بود و همان جا درگذشت. وی ابتدا چاکر تخلص میکرد و پس از چندی تخلص هدایت را برگزید. هدایت‌دامغانی به صوفیه مایل بود و اشعاری به طرز تصوف دارد. او صاحب دیوان است و مثنوی هدایت‌نامه وی در بحر رمل حدود پنج هزار بیت است. مثنوی دیگری به نام انیس‌العاشقین دارد که در بحر لیلی و مجنون است. مثنوی گلستان ارم اثر دیگر اوست که در بحر خسرو و شیرین سروده شده است. در زمان تألیف تذکره حاضر، هدایت تذکره‌ای مشتمل بر احوال عرفا و حکمای متقدم و معاصر خویش در دست دارد که به اتمام نرسیده است.

آثار و تألیفات او که خود در سن ۴۵ سالگی آنها را در خاتمه ریاض‌العارفین نام برده است عبارتند از: ۱- مثنوی هدایت‌نامه در بحر رمل ۲- مثنوی گلستان ارم ۳- مثنوی دیگر موسوم به انیس‌العاشقین ۴- مثنوی موسوم به بحرالحقایق ۵- کتاب مظاهر الانورا ۶- مثنوی انوار الولاية ۷- مثنوی خرم بهشت ۸- فهرست التواریخ ۹- منهج‌الهدایه ۱۰- مفتاح‌الکنوز ۱۱- تذکره ریاض‌العارفین ۱۲- مدارج البلاغه ۱۳- مجمع‌الفصحا در تذکره شعرا شامل دو جلد بزرگ ۱۴- لطایف المعارف ۱۵- رساله جامع‌الاسرا ۱۶ تا ۱۸- سه جلد در تکمیل تاریخ روضه‌الصفای می‌خواند. ۱۹- دیوان غزلیات شامل بیش از ۸ هزار بیت ۲۰- دیوان قصاید شامل بیش از ۱۰ هزار بیت. رضاقلی‌خان علاوه بر تحقیقات و تألیفات متعدد خدمت



دیگری به فرهنگ ایران کرده و آن تأسیس یک چاپخانه است که بسیاری از کتب ادبی در عصر قاجاریه در آن چاپخانه طبع شده است (نک سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۶۷ - ۳۷۰).

نمونه‌ای از اشعار وی:

در خاک شاد میکند آن کس دل مرا      کارد به خاک من نفسی قاتل مرا  
۶۵- فرخ خان زند که نامش محمدحسن خان معروف به خانلرخان بود. وی فرزند علی مرادخان زند، نبیره محمد حسن خان قاجار و جد محمدشاه قاجار بود. فرخ خان از فنون شاعری به قصیده سرایی راغب بود. صاحب الذریعه مثنوی جم شید و خور شید را به او نسبت داده است (الذریعه، ج ۵: ص ۱۳۳).

۶۶- میر غضنفر علی خان معروف به آزاد کشمیری مدتی در شیراز به کسب علم پرداخت و در زمان تألیف تذکره مذکور در عراق به سر میبرد. وی دیوانی دارد که در اختیار نویسنده نیست و تنها بیتی از اشعار وی را که نویسنده در خاطر دارد، برای نمونه می‌آورد:

پر و بالم نشکسته است ولیکن نگذاشت      ذوق صیّاد توانایی پرواز به من  
۶۷- میرزا محمدخان معروف به میرزا امید اصفهانی پس از مدتی زندگی در کابل و قندهار و ... به اصفهان بازگشت و به خدمت دیوانی مشغول شد. وی از راه زراعت امرار معاش میکرد. نویسنده ابیاتی از وی را که در خاطر داشته در تذکره آورده است:

۶۸- میرزا ابوالحسن معروف به میرزا امید نهاوندی، از اعیان نهاوند و از ندیمان شاهزاده محمود میرزا بود. نویسنده تنها یک بیت از اشعار وی را دیده و آن را در تذکره آورده است:

گرفتم این که رهم بسته‌اند از سر      چه میکنند که دارد دلم نهان به تو  
کویت      راهی

۶۹- میرزا جواد اصفهانی از کدخدازادگان چهارمحال اصفهان است که در جوانی به کرمان رفته و آنجا اقامت گزیده است. وی به اسم تخلص میکرد و دیوانی مشتمل بر هفت هشت هزار بیت دارد که به نظر نویسنده نرسیده است. مؤلف تنها چند بیت را که در خاطر داشته در تذکره آورده است. جواد اصفهانی در سال ۱۲۳۳ بدرود حیات گفت.

۷۰- خیرالحاج حاجی عابد اصفهانی به اسم تخلص میکرد و به تجارت مشغول بود. نویسنده تذکره از دیگران نقل میکند که عابد اصفهانی "جلاء العیون" فاضل

مجلسی را به بحر تقارب موزون کرده و چهارده گنج نامیده است. وی در سال ۱۲۲۹ وفات یافت.

۷۱- آقا محمد شیرازی از بزرگ‌زادگان شیراز و از معلمان شاهزاده، شاهرخ میرزا، بود. وی نسخ را خوش مینویسد و گاهی شعر میسراید.

۷۲- احمد بیگ معروف به میرزا اختر گرجی اصلش از ولایت گرجستان و از خانه‌زادان سلاطین صفویه بود. وی در اصفهان متولد شد. میرزا اختر گرجی چندی در خدمت بعضی از اولاد کریم خان زند و نیز چندی از ندیمان سلیمان خان قاجار بود. در آن زمان بر یکی از وشاقان سلیمان خان عاشق شد و برایش غزل میسرود. سلیمان خان سوء ظنی حاصل کرد. از قضا دیوانش به نظر وی رسید و در میان اشعار با شعری روبه‌رو شد که نام آن وشاق را صریحاً ذکر کرده بود. سلیمان خان به قطع زبان میرزا اختر گرجی فرمان داد. پس از آن میرزا اختر به اصفهان بازگشت و به تحریر تذکراه‌ای مشتمل بر احوال و اشعار شاعران معاصر خویش مشغول شد. هنوز به اتمام نرسیده یا رسیده عمرش به پایان رسید. برادر کوچکترش، محمدباقر بیگ نشاطی، کتاب تذکره را به تهران برد و به نظر فتحعلی شاه رسانید. زمانی نگذشته بود که او نیز در پی برادر به دیار باقی شتافت. پس از آن اتمام کتاب به فاضل خان جارچی باشی واگذار شد و "انجمن خاقان" نام گرفت.

میرزا اختر گرجی مردی تندخوی بود و به اندک ناملامتی از دوستان میرنجید. وی دیوانی دارد که در آن زمان نویسنده به آن دسترسی نداشته و ابیاتی را برای نمونه آورده است:

من در سماع از این که حدیث تو  
ناصر به این خیال که گوشم به پند اوست  
می‌رود

۷۳- میرزا علی اکبر اصفهانی از زمره سادات حسینی بود. اجدادش از جزیره خارک فارس بودند. وی در دولت سلاطین صفویه به دارالسلطنه اصفهان رفت و مشغول خدمات دیوانی شد. او از ممر زراعت کسب معاش میکرد. نویسنده تذکره آنچنان که باید به اشعارش دسترسی نداشته است.

۷۴- ابراهیم خان، از فرزندان کریم خان زند، معروف به انور شیرازی است که پس از انقراض پدر چشمانش را نابینا کردند. وی در سال ۱۲۱۶ وفات یافت. نویسنده تذکره شنیده است که وی دیوانی دارد؛ اما خود آن را ندیده و ابیاتی را برای نمونه آورده است.

۷۵- میرزا محمدعلی معروف به شیخ بهار داراب جردی در جوانی برای کسب علم به شیراز رفته است. وی پس از فوت پدر به دارالخلافه رفت و قصیده مدحی برای فتحعلی شاه سرود. به پاداش آن مدیحه بر جای پدر بر مسند شیخ الاسلامی نشست.

۷۶- آقا حسین معروف به بیمار شیرازی، صراف بود. بنا به گفته نویسنده تنها چند بیت شعر از وی موجود است.

۷۷- محمود خان معروف به خاور آذربایجانی از خوانین آذربایجان بوده است.؛ اما در تذکره بهجت الشعرا که در معرفی شاعران آذربایجانی است، نامی از وی نیامده است (نک نگاهی به سبک شناسی شعرای آذربایجانی عهد قاجاریه با اتکا به تذکره بهجت الشعرا، مجد، ۱۳۹۱: صص ۴۳-۵۶). در زمان تألیف تذکره در دربار فتحعلی شاه خدمت میکرده است. از فنون سخن به قصیده سرایی تمایل داشته است

۷۸- شیخ محمد معروف به مولانا ساغر خزاعی در شیراز امام جماعت و مدرس بود. در سال ۱۲۱۶ وفات یافت. نویسنده تذکره وی را از شاعران نامی ماهر میدانند. در مجمع الفصحا به نام «ساغر شیرازی» معرفی شده است (نک مجمع- الفصحا، هدایت، ج ۲: ص ۱۸۱)

۷۹- محمد نبی خان معروف به سفیر شیرازی در جوانی به تجارت مشغول بود و پس از آن به دربار راه یافت. وی چندی در سفارت هندوستان سفیر بود. ابتدا قطره تخلص میگرد؛ اما پس از سفارت تخلص سفیر بود. وی در سال ۱۲۱۹ بدرود حیات گفت.

۸۰- میرزا علی نقی متخلص به صابر شیرازی چندی در دارالخلافه تهران به خدمت دیوانی مشغول بود و پس از آن به شیراز بازگشت. وی گاهی شعر میسروده که نویسنده ابیاتی را برای نمونه آورده است.

۸۱- میرزا احمد متخلص به صبور کاشی از بزرگ زادگان کاشان و برادرزاده ملک- الشعرا صبا است. زمانی در بارگاه عباس میرزا خدمت کرد. وی در جنگ با روس شرکت کرد و کشته شد. نویسنده ضمن بیان این که به همه اشعار وی دسترسی ندارد، ابیاتی را برای نمونه آورده است از جمله شعری در مدح فتحعلی شاه:

مدام تا که نشان باشد از زمین و زمان	به کام داور دوران بود هم این و هم آن
سپهر عزّت و جاه آفتاب ملت و ملک	جهان جود و سخا آسمان شوکت و شان
ستوده فتحعلی شه که گاه برّ و نوال	روایح کرمش برده آب عنبر و بان

۸۲- حسنعلی خان، متخلص به طایر شیرازی، از بزرگ‌زادگان شیراز و منسوبان حاج ابراهیم خان شیرازی است. وی از جمله کسانی بود که پس از براندازی زندیه حکم به کور کردنش داده بودند. طایر چندی در دربار محمدعلی میرزا از ندیمان وی بود. او پیش از نابینایی خط خوش مینوشت و پس از نابینایی در شطرنج استاد بود. نویسنده ابیاتی از وی را برگزیده است:

خوش بود دام تو خوشتر بودی ای صیاد اگر  
بیم آزادی نبودی طایر دام تو را

۸۳- لطفعلی، متخلص به فکار شیرازی، برادر کوچکتر بسمل شیرازی است.

۸۴- میرزا محمد حسین، متخلص به مجمر اردستانی، در فن تذهیب یگانه بود. وی قصیده‌گرایی در مدح فتحعلی‌شاه سرود و روانه‌تهران شد. او به سبب این قصیده مورد عنایت شاه قرار گرفت و پس از وفات سحاب، لقب مجتهدالشعرایی را دریافت کرد. مجمر اردستانی در غزل و قصیده مهارت داشت. وی در سال ۱۲۲۵ وفات یافت. نویسنده در زمان تألیف تذکره به دیوان مجمر دسترسی نداشته و چند غزل و ابیاتی را برای نمونه آورده است.

۸۵- میرزا رضا، متخلص به منصور اصفهانی، از اشراف اصفهان و طیب بود. او دیوانی داشت که به نظر نویسنده تذکره نرسیده است.

۸۶- میرزا محمدابراهیم، متخلص به منظور شیرازی، به درگاه فتحعلی‌شاه آمد و شد داشت و برای وی در هنگام استراحت داستان نقل میکرد. منظور شیرازی اشعار بسیاری از بر بوده و خود نیز شعر میسروده است.

۸۷- امان‌الله بیگ، متخلص به نظیر کاتب اصفهانی، از راه کتابت امرار معاش میکرد. وی در سال ۱۲۲۶ بدرود حیات گفت.

۸۸- میرزا محمد، متخلص به مظهر اصفهانی، پس از کسب علوم در اصفهان به هندوستان سفر و همان‌جا ازدواج کرد. وی پس از سالها با خانواده‌اش به وطن بازگشت. مظهر اصفهانی دیوانی دارد که به نظر مؤلف تذکره نرسیده است.

۸۹- میرزا سیدعلی، متخلص به نیاز شیرازی، صاحب دیوان است و در زمان تألیف تذکره یک مثنوی بر اساس داستان تخیلی به نام فیروز و نسیرین در بحر خسرو و شیرین در دست دارد که پایان نیافته است. وی خط شکسته را خوش مینویسد.

۹۰- سیدحسین، متخلص به نیاز جوشقانی، خط نسخ را خوش مینویسد و نویسنده اطلاع چندانی از وی در دست ندارد.

۹۱- میرزا یوسف، متخلص به انیس نهانندی، از مداحان شاهزاده محمود میرزا بوده که در جوانی وفات یافته است. نویسنده اطلاع بیشتری از وی نداشته است؛

ولی در مجمع‌الفصحا آمده است که او به اندازه دو هزار بیت شعر دارد. (نک همان، ج ۲: ص ۷۰).

۹۲- میرزا ابوالحسن، متخلص به فردوس شیرازی، همراه با برادرانش متولی بقعه میرمحمدبن موسی‌الکاظم (ع) و از طلبه‌های معروف شیراز بود. وی در جوانی وفات یافت و بیشتر اشعارش پس از وفاتش از میان رفت.

۹۳- میرزا محمد، متخلص به مونس اصفهانی، چندی ادعای مهدویت داشت. به هندوستان سفر کرد و به شیراز بازگشت؛ اما پس از بازگشت از هند اطلاع چندانی از وی در دست نبوده است.

۹۴- میرزا محمد، متخلص به مونس مازندرانی، از منشیان شاهزاده محمدقلی میرزا بود که نویسنده اطلاع بیشتری از وی ندارد.

۹۵- میرزا محمدعلی اصفهانی، ملقب به آقا بزرگ، دانش تخلص میکرد و در آغاز چینی‌فروش بود. وی در زمان تألیف تذکره در حیات نبوده است.

۹۶- میرزا عبدالرحیم، متخلص به دانش شیرازی، به غزلسرایی تمایل داشت و به شیوه حافظ شعر میسرود. نمونه‌ای از شعر وی:

در آرزوی وصل تو روزی که بمیرم  
در خاک بزم حسرت دیدار و دگر هیچ

۹۷- ملا درویش قاینی اهل خراسان و ساکن اصفهان بود. چندی در خدمت معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی بود. پس از آن به شیراز رفت. نویسنده به همه اشعار وی دسترسی نداشته است.

۹۸- میرزا محمد، متخلص به مخلص شیرازی، از اشراف شیراز بود. وی به شهرهای گوناگون ایران سفر کرد و سرانجام در سفر به نجف وفات یافت و همان جا به خاک سپرده شد. وی دیوانی دارد که پسرش آن را از دید دیگران پنهان میداشت.

۹۹- آقا بابا، معروف به میرزا عارض اصفهانی، پاره‌دوز بود. نویسنده همه اشعار وی را در دست نداشته اما دریافته که وی طبع شوخی داشته است. چند بیتی که مؤلف برای نمونه آورده است از اشعار طنز شاعر نیست.

۱۰۰- میرزا معصوم خلف‌الصدق، معروف به میرزا محیط، به فارسی و عربی شعر میسرود؛ اما نویسنده از اشعار عربی وی نمونه‌ای نیاورده است. وی در جوانی بدرود حیات گفت.

۱۰۱- شیخ محمد، متخلص به قانع شیرازی، اصلش از بحرین بوده و در شیراز متولد شده است.

۱۰۲- آقا محمدجعفر، متخلص به مطبوع شیرازی، پس از چندی انزوا در سال ۱۲۳۷ بدرود حیات گفت. نویسنده به همه اشعار وی دسترسی نداشته است.

۱۰۳- میرزا ابوالحسن، متخلص به حریف جندقی، همه شاهنامه فردوسی را از بر و به غزلسرایی تمایل داشت. وی به دربار فتحعلی‌شاه رفت و آمد میکرد. حریف جندقی دیوانی دارد که نویسنده آن را دیده، اما در زمان تألیف تذکره آن را در اختیار نداشته است. مؤلف اشعاری از وی را آورده است که در میان آنها تخلص حریف دیده میشود:

از این افسانه میترسم برد خواب عدم ما را / حریف از وصل او حرفی مگوئیدم مگوئیدم

۱۰۴- میرزا محمدحسن اصفهانی، متخلص به ظریف، از اعیان اصفهان و در خدمت صدر اعظم حاجی محمد حسین خان اصفهانی بود. وی گاهی شعر میسرود.

۱۰۵- شیخ عابد کازرونی، متخلص به عارف، دیوانی دارد که به نظر نویسنده رسیده است.

۱۰۶- آقا محمدتقی اصفهانی، متخلص به عارف، عاشق جوانی عطار شده بود.

۱۰۷- میرزا نورالعین، متخلص به واقف هندی، از شاعران بنام هند بود. نویسنده اشعار وی را در دست نداشته است.

۱۰۸- هادی بیگ شیرازی، متخلص به شایق، از ملازمان دربار زندیه بود و پس از انقراض زندیه به مصاحبت حسنعلی خان طایر درآمد. وی سپس به اصفهان رفت و همان‌جا در سال ۱۲۳۶ به دیار باقی شتافت.

۱۰۹- علی عسکر اصفهانی، متخلص به شایق، اصلش از اصفهان بود، ولی در شیراز پرورش یافته بود. وی دیوانی دارد که در زمان تألیف تذکره در اختیار نویسنده نیست. هدایت میگوید که شغلش دوزندگی بود و غزلسرایی می‌کرد. (نک همان، ج ۲: ص ۲۴۹)

۱۱۰- پیر مراد بیگ، متخلص به مشفق شیرازی، از بزرگ‌زادگان زندیه بود که به دلیل علاقه به کسب علم از شغل دیوانی رویگردان بود. در مجمع‌الفصحا به نام «مشفق کرمانشاهی» آمده است. (همان، ج ۶: ص ۹۳۳) وی شرحی بر دیوان حافظ نوشته که به نظر نویسنده نرسیده است؛ اما مؤلف بیان میکند که بسمل شیرازی در تذکره خود به نام دلگشا از شرح مشفق بر دیوان حافظ نام برده و آن را خالی از حسن ندیده است. مشفق شیرازی در حال نوشتن شرحی بر اشعار خاقانی بود که در سال ۱۲۳۷ اجل وی را مهلت نداد.

۱۱۱- میرزا صادق اصفهانی، متخلص به ناطق، هرچند اشعار مطلوبی ندارد، در تاریخ استاد بود. قطعه و قصاید هفتاد بیتی دارد که هر مصرعی تاریخ است. نویسنده اشعاری از وی را برای نمونه آورده است که در تاریخ وفات یکی از عالمان دین، تاریخ بنای مدرسه و تاریخ بنای گنبد حضرت معصومه در قم است. شعر زیر را در تاریخ بنای گنبد حضرت معصومه (ع) سروده است:

این قبه گلبنی است به زیور برآمده	یا پاک گوهریست پر از زیور آمده
روی جهان ز درگه او یافت آبرو	پشت فلک به سجده او چنبر آمده
فوج ملک زشوق دمامد گشوده پر	وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده
گفتم ز جود شاه به عالم قصیده‌ای	کز آن دهان فکر پُر از شکر آمده

۱۱۲- میرزا محمدعلی یزدی، متخلص به وامق، از سادات یزد است.

۱۱۳- آقا محمدصالح، متخلص به وامق اصفهانی، دیوانی دارد که در زمان تألیف نویسنده در اختیار وی نیست.

۱۱۴- میرزا محمدرحیم، متخلص به بیدل شیرازی، طیب بود. وی در زمان صفویه به اصفهان رفت و در دربار خدمت می‌کرد. در زمان کریم خان زند به شیراز رفت. بیدل در دربار محمدشاه قاجار به طبابت مشغول شد. او دوباره به شیراز بازگشت و همان جا وفا یافت.

۱۱۵- محمدامین خان، متخلص به بیدل نیشابوری، از امیران نیشابور بود و از کودکی شعر میسرود. وی در دربار شاهزاده محمدولی میرزا راه یافت و لقب ملک الشعراپی گرفت. بیدل نیشابوری دیوانی با بیست هزار بیت شعر دارد که نویسنده تذکره آن را دیده، اما در زمان تألیف آن را در اختیار نداشته است.

۱۱۶- میرزا محمدسعید، ملقب به آقاجانی و متخلص به سائل شیرازی، دیوانی دارد و بسیاری از اشعارش در میان اهل زبان مشهور بود. نویسنده چند مثنوی از وی را شنیده است.

۱۱۷- میرزا محمدعلی، متخلص به مایل آشتیانی و فرزند میرزا کاظم آشتیانی، از مستوفیان محمدشاه قاجار و از دبیران شاهزاده عباس میرزا بود.

۱۱۸- آقا محمد، متخلص به مایل شیرازی، برادر بسمل شیرازی، مؤلف تذکره دلگشا است.

۱۱۹- شیخ محمدرحیم، متخلص به سائل اصفهانی، خود را شاعری غرا میدانست و به شعر بیشتر شاعران خرده می‌گرفت.

۱۲۰- میرزا ابوالقاسم آذربایجانی وزیر عباس میرزا بود و به فارسی و عربی شعر میسرود. وی حافظه‌ای قوی داشت، آن‌گونه که قصاید طولانی را با یک بار شنیدن به خاطر میسرود. میرزا ابوالقاسم به سرودن رباعی تمایل داشت و مضامین بیشتر رباعیاتش نه خیالات شاعرانه بلکه مطابق واقعیت است.

با فلان گفتم ای پسر پدرت      جز به تاریکی از چه نان نخورد  
گفت: ترسد ز روشنی که مباد      سایه‌اش دست سوی کاسه برد

۱۲۱- میرزا نجفعلی، خرم شیرازی تخلص می‌کرد و بیشتر غزلیانش به نام فتحعلی‌شاه قاجار است. اما هیچ یک از نمونه‌هایی که نویسنده از شعر وی برگزیده است، این‌گونه نیست.

۱۲۲- میرزا هاشم، متخلص به خرم اصفهانی، از بزرگ‌زادگان اصفهان بود و از راه زراعت امرار معاش می‌کرد.

### نتیجه‌گیری:

- ۱- بیشتر شاعران در دوره قاجار میزیسته‌اند.
  - ۲- قالبهای مورد توجه شاعران قصیده، غزل، مثنوی و گاهی رباعی بوده است. بنا بر تذکره محک شعرا بسیاری از شاعران این دوره در میان قالبهای شعری مورد استفاده خود حتماً از قصیده نیز بهره می‌جستند و برخی از آنان همچون شهاب ترشیزی، عندلیب کاشی و ملا صحبت کاشی در قصیده استاد بودند. مجمر اردستانی افزون بر قصیده در غزل نیز مهارت داشت.
  - ۳- موضوع اشعار آنها بیشتر مدح و عاشقانه است. مدحیات در ستایش امامان، فتحعلی‌شاه و گاهی شاعران دیگر است که در قالب قصیده و گاهی غزل میسروده‌اند؛ همچون قصاید میرزا مفتون تبریزی، خاوری تبریزی، مایل تهرانی و ... و غزل نشاط اصفهانی در مدح فتحعلی‌شاه. فتحعلی‌شاه، شیدای یزدی و ... نیز قصایدی در مدح امامان (ع) دارند. نیری شیرازی نیز قصیده‌ای در مدح وصال شیرازی سروده است.
- عاشقانه‌ها را در قالب غزل یا مثنویهای غنایی میسروده‌اند؛ همچون مثنوی انیس‌العاشقین اثر میرزا هدایت دامغانی و مثنویهای بهرام‌نامه، یوسف و زلیخا و خسرو و شیرین اثر شهاب ترشیزی. وجود شعرهای مدحی این شاعران را از سبک بازگشت دور میکند.



۴- شاعران پیشه‌های گوناگونی داشتند؛ برخی از راه کتابت روزگار میگذرانند، همچون صفای اصفهانی، میرزا عسرت شیرازی، میرزا نصرت شیرازی و ... . برخی اهل تجارت بودند، همچون طلعت اصفهانی و عابد اصفهانی. پیشه مشترک دیگر در میان برخی از شاعران آن روزگار، زراعت بود که شاعرانی همچون میرزا علی اکبر اصفهانی، میرزا امید اصفهانی و شرر اصفهانی به آن مشغول بودند. در میان آنان شاعرانی هم بودند که پیشه‌ای در برابر داشتند؛ همچون بیدل شیرازی، مایل تهرانی، بی‌بی عفت شیرازی، میرزا هدایت دامغانی و سفیر شیرازی که در سفارت هندوستان مشغول بود.

۵- بسیاری از شاعران از بزرگ‌زادگان بودند؛ همچون میرزا کوکب شیرازی، فطرت مازندرانی، آقا محمد شیرازی، صبور کاشی و ... .

۶- در میان شاعران آن دوره کسانی هم بودند که به زبان عربی هم شعر میسرودند؛ همچون میرزا ابوالقاسم آذربایجانی، نشاط اصفهانی و میرزا محیط.

۷- فردوسی، نظامی و حافظ از شاعران مورد توجه آنان بودند. دانش شیرازی غزلیات خود را به شیوه حافظ میسروده و حریف جندقی همه شاهنامه را از بر بوده است. مثنویهایی نیز به تقلید و در بحر آثار نظامی سروده‌اند؛ همچون میرزا کوکب شیرازی، میرزا هدایت دامغانی و شهاب ترشیزی.

۸- بسیاری از شاعران در زمان تألیف تذکره در قید حیات بوده‌اند.

۹- جز میرزا هدایت دامغانی هیچ یک از شاعران به تصوف تمایلی نداشته است که این تمایز میان سبک این شاعران با سبک بازگشت است.

۱۰- چون مؤلف تذکره همه شاعران را در مهارت سخنوری و شاعری میستاید، سبب میشود حقیقت امر قابل تشخیص نباشد.

۱۱- بیش از سی درصد شاعران آن روزگار اهل شیراز بودند و یا در شیراز میزیسته‌اند.

۱۲- حقیقت امر در مورد فتحعلی‌شاه، شاهزادگان و امرا آشکار نیست؛ زیرا نویسنده تذکره جنبه اغراق‌آمیز و تکرار را در آن پیاده و به دور از واقعیت زمان همه را عدالت‌گستر و رعیت‌پرور توصیف کرده است.

۱۳- برخی از شاعران افزون بر فنون شعر در علوم دیگر نیز دانشی داشتند و برخی کتابهای تاریخی نیز مینگاشتند؛ همچون میرزا همای مروی و ناطق اصفهانی.

۱۴- بسیاری از شاعران خطی خوش داشتند و کتابت میکردند؛ همچون نیری شیرازی، نشاط اصفهانی، میرزا کوکب یزدی و ... .

- ۱۵- در میان شاعران سه زن شاعر نیز دیده میشود: بی‌بی عفت شیرازی، بی‌بی عشرت، بی‌بی عشرت شیرازی.
- ۱۶- اشعار بسیاری از شاعران به نظر مؤلف نرسیده و یا در زمان تألیف تذکره به آنها دسترسی نداشته است.
- ۱۷- از برخی شاعران این دوره و آثارشان در تذکره‌ها نامی به میان نیامده یا بسیار اندک از آنان یاد شده است و تنها در تذکره محک شعرا میتوان با آنان آشنا شد. از آن جمله میتوان به میرزا عسرت شیرازی، بی‌بی عفت شیرازی، بی‌بی - عشرت شیرازی، نصرت خان دکنی، میرزا نصرت شیرازی، میرزا امید اصفهانی، میرزا محیط، فکار شیرازی، میرزا عارض اصفهانی، شایق اصفهانی، سایل اصفهانی، مایل شیرازی، میرزا مکین نطنزی، خاوری تبریزی و ... اشاره کرد.
- ۱۸- آثاری از این دوره باقی مانده که هنوز تصحیح نشده است، همچون رساله تحفه الحرمین خاوری تبریزی.

#### منابع:

- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، محمدمحسن، ج ۲۳، تهران و نجف، ۷۶-۱۹۳۶.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی، (۱۳۸۹)، جلد سوم، چاپ دهم، تهران: امیر کبیر.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، درایتی، مصطفی، (۱۳۹۱)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، احمد، (۱۳۸۶)، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰.
- مجمع الفصحا، هدایت، رضا قلی خان، (۱۳۸۱)، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیر کبیر.
- مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات، ستوده، غلامرضا، (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات سمت.
- نسخه خطی تذکره محک شعرا، شاملوی خراسانی، محمدصالح، (۱۲۵۲)، شماره ۴۰۹۶، تهران: کتابخانه ملی ملک.
- نگاهی به سبک‌شناسی شعرای آذربایجانی عهد قاجاریه با اتکا به تذکره بهجت‌الشعرا، مجد، امید (۱۳۹۱)، پژوهشهای ادبی و بلاغی، سال اول، سال اول، صص ۴۲-۵۶.